

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1394/02/06



موضوع: مسئله سوم، بخار نجس یا متنجس

مسئله سوم از فروع مطهریت انقلاب، سید طباطبایی یزدی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: «بخار البول أو الماء المتنجس طاهر فلا بأس بما يتقاطر من سقف الحمام إلا مع العلم بنجاسه السقف» مسئله ای است محل ابتلاء و محل بحث. می فرماید: اگر از بول یا آب متنجس که در کف حمام باشد مثلاً بخاری متصاعد بشود و آن بخار به سقف و در و دیوار برسد این بخار نجس نیست، دوباره از سقف تقاطر کند و چکه کند یا دستتان را دستگیره می گیرید دستگیره در از آن بخار آب متنجس است و یا اینکه دیواری که آنجا است، لباستان را گذاشته اید، بخار تمام این فضا را پوشش و می دهد و محل ابتلاء است. طبق آنچه در متن آمده فتوای سید این است که این بخار نجس نیست. در عین حالی که ما علم داریم که آب متنجسی در کف حمام وجود داشته و علم داریم در کف حمام نجاستی بولی بوده است و بخار متصاعد در سقف و دیوار نجس نیست.

ادله مسئله

آنچه که به عنوان دلیل در جهت طهارت این بخار گفته شده است در شرح این مسئله، سیدنا الاستاد می فرماید: این بخار استحاله شده است یعنی استحاله از ماء متنجس است. آب متنجس استحاله شده و استحاله هم از مطهرات بود. بعد شرح می دهد می فرماید: می بینید اگر گرد و خاکی یا غباری متصاعد بشود به فضا به شکل ذرات ریز دوباره برگردد عرف می گوید همان خاک برگشت. و اگر قطرات بخار برگردد عرف نمی گوید آبی که از زمین متصاعد شده بود دوباره برگشت. اگر آن بخار در حد زیادی باشد دوباره برگردد شکل آب در

بباید آب جدید است. و اینجا استحاله صدق می کند. و با این مثال می گوید دیدیم استحاله است و پس از این استحاله حکم به طهارت اعلام می شود و دلیلی بر تنجیس نداریم. اگر اخیانا در بخار شک هم بکنیم قاعده طهارت هم به ما کمک می کند. با کمک اصاله الطهاره و با کمک استحاله حکم به طهارت این ماء اعلام می شود و اکثریت فقهاء هم این حکم را قبول دارند.[1]

تحقیق

اما تحقیق، این بحث را در اوائل بحث طهارت آب مطلق و مضاف داشتیم و آنجا گفتیم که بدانیم همانطور که بحث شد استحاله یکی از عناوین تخصصی است که باید دقیقاً کارآشنا و متخصص اعلام کند که اینجا استحاله به عمل آمده یا نیامده. و ثانیاً در مورد آب و بخار این مقدار معلوم و مشهود است که بخار از دل این آب برخواسته و از جای دیگر نیامده، وجدانی است. وجداناً در داخل حمام که آب داغ می شود، بخار که متصاعد می شود بخار از آب بیرون می آید و از جای دیگر نمی آید. و اینکه به سقف می رسد آن صعودش که استحاله نیست، حرکت که استحاله ایجاد نمی کند. صعود و حرکت به وسیله حرارت است. این تصاعد در اثر حرارت است و از دل خود آب بعضی از ملکول ها جدا می شود و می رود در شکل بخار. عیناً از دل آب برخواسته و وجدان شهادت می دهد که بخار جزء جدا شده از همین آب است و رنگ و وضعیتش هم هیچ گونه تغییری نکرده است. عین این آبی که رفته است بالا. مثل این است که آبی که خود غلیان بکند یک قطراتش محیط اطراف ظرف پخش می شود تقریباً مثل این است. بنابراین بخاری که در سقف است از خود آب است و چیز جدا نیست و با رفتن به محل مرتفع تطهیر حاصل نمی شود، استحاله به وجود نیامده، تبدل ماهیتی در کار نیست، علی الاقل شک در استحاله بکنیم اصل عدم استحاله است. بنابراین استحاله وجود ندارد تقاطر بخار از آب متنجس اجزاء همان آب متنجس است از بول هم همان اجزاء بول است. مثالی که با تراب و ذرات خاک زده شد فرق نمی کند و هر دو در یک حدّ و یک اندازه هستند. ذرات متصاعدی است که دوباره برمی گردند. بخار آب جزء آب است. بنابراین این بخار متصاعد نجس است و محکوم به نجاست است و اگر دیوار یا سقف رطوبتی از بخار متنجس داشته باشد محکوم به نجاست است و نجاستش همان نجاست خود ماء متنجس یا بول است. و استحاله اصلاً نیست. استحاله که نباشد دلیلی بر تطهیر نداریم. ما شک در عدم استحاله نداریم علی الاقل اگر شک کردیم که گفتیم. لذا مرحوم حاج شیخ عبد الکریم حائری و سید گلپایگانی قدس الله اسرارهم نظرشان این است که این بخار نجس است و امام خمینی قدس الله نفسه الزکیه حکم را معلق به صدق عرفی کرده اند که اگر قطراتی که برمی گردد صدق بکند که همان آب متنجس است نجس است. قطرات بول که بر میگردد اگر صدق عرفی بکند که قطرات بول است نجس است، معلق به صدق کرده است. و حرف تحقیقی ما وجدان و حرکت ذرات آب از سطح زمین به سقف است بدون هیچ تغییری، کل قواعد هم با همراه است. مضافاً بر استصحاب نجاست و اصل عدم استحاله. اما در این حمام ها یک راه حل دیگر داریم و آن این است که در این حمام هایی که ما استفاده می کنیم شخصی یا عمومی، آبی که استفاده می شود در کف حمام هم آب متنجس است و هم آب طاهر است، آبی که از دوش می ریزد آن پاک است، بنابراین بخاری

که متصاعد می شود قطعا از آب متنجس به طور خاص متصاعد نشده و از خود بول به طور خاص متصاعد نشده، بلکه غلبه با آب پاک بوده. چون در حمام ها زیر دوش می روید شدت آب از آن قسمت است هم حرارت و هم شدت و هم بخار از آن قسمت متصاعد می شود، لذا در این حمام ها بخار متصاعد از آب متنجس یا از خود بول نیست. بنابراین حکم از لحاظ نجاست و طهارت به مشکلی بر نمی خوریم. چون آب پاک است و اغلیت با این آب پاک است و بخاری متصاعد از این. و در آخر هم اگر بگویید که آب متنجس هم سهم داشته و آلوده و تنجیس کرده است می گوئیم چون غلبه با آب طاهر بود می گوئیم بخار مخصوصا از آب طاهر است، شک در التقاء و اختلاط بکنیم، شک مساوی با عدم اختلاط است و به شک اعتناء نمی شود. بخار متصاعد از حمام های شخصی و عمومی محکوم به نجاست نیست. هرچند اصل مسئله تبدیل بول یا آب متنجس به بخار همان اشکالی را دارد و فتوای اعظمی مثل شیخ حائری و سید گلپایگانی در این قسمت همراه ماست. در نتیجه بخار متصاعد از آب متنجس و از بول بر خلاف مشهور محکوم به نجاست براساس قواعد و شهادت وجدان و مطابق با فتوای شیخ حائری، این بحثی بود درباره بخار ماء متنجس که تقاطر بکند از سقف.

سوال:

پاسخ: ما گفتیم خلاف مشهور فتوا قطعا نمی دهیم مگر اینکه مطابق احتیاط باشد و اینجا مطابق احتیاط است. و اما تبدیل آب به بخار که آب با بخار تبدیل می شود و آب ماهیتی است و بخار ماهیت دیگر، این تبدیل را که می بینید دقیقا تبدیل ماهیتی نیست و ملکول ها فرق نمی کند، اما تلطیف می شود، حرارت یک مقدار فاصله ها بین ملکولها بیشتر می شود. و اصل ملکول و ماده یکی است، سبک تر می شود. و بعد هم همان حرارت که جایش را عوض کرده برودت دوباره فاصله ها جمع شده حالت اولی آب بر می گردد. از لحاظ علمی و از لحاظ وجدانی بخار چیزی است گرفته شده از آب. یک حالت تلطیف پیدا کرده و بعد از تلطیف استحال نشده. در استحال این است که چیزی که استحال می شود مثل خاکستر برگردد که چوب نمی شود. اما بخار بعد از که فاصله کم شد بر می گردد دوباره همان آب است. و ثانیاً شک در استحال هم مساوی با عدم استحال است.

نکته

استحال در بخار محقق نیست، استحال گفته شد از مصطلحات تخصصی است یعنی تبدیل ماهوی. استحال به عرف محول نمی شود، موضوعات عرفی و موضوعات تخصصی مطلبی است که در فقه خیلی روی آن توجه بشود که یکی از نکات مهم در مسئله همین است که موضوعات عرفی و موضوعات تخصصی باید از همدیگر تفکیک بشود. که الان الحمد لله در حوزه ظاهرا این کار کم و بیش انجام می شود.

مسئله بعدی قطره ای خمر به ظرفی از سرکه بریزد

مسئله چهارم: «اذا وقعت قطره خمر فی حبّ خلّ و استهلکت فیہ لم یطهر و تنجس الخلّ الا اذا علم انقلابها خلّاً بمجرد الوقوع فیہ». مسئله بعدی این است که می فرماید: اگر یک قطره خمر در یک بشکه از خل و سرکه بیافتد و در آن داخل بشکه آن قطره گم شود، پاک نمی شود آن خمر و آن خلّ را نجس می کند. یک استثناء دارد که بداند فردی که آن قطره خمر را مثلاً داخل یک بشکه یک خل ریخت، بداند که آن خلّ موقعی که قرار می گیرد داخل خلّ همان لحظه منقلب می شود به خلّ. به مجرد وقوع آن خمر در آن خلّ بدون اینکه فاصله زمانی در کار باشد، وقوعش همان و تخلیش همان. خلّ آنقدر خلّ است که آن قطره خمر که بگیرد فوراً می سوزاند مثل آتش گداخته و خلّش می کند بدون اینکه فرصت برای تنجیس داده شود. این طوری اگر باشد این خمر نجس نیست و آن خلّ را هم تنجیس نمی کند. منتها امام خمینی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: این یک مجرد فرض است، با واقع تطبیق نمی کند. که تا وارد بشود لدی الورد تنجیس می کند، اصابت خمر به خلّ تنجیس است. و بعد از که تنجیس شد عملیات خلّ انجام می گیرد، فوراً نمی شود. و آن فوریتی که شما فرض می کنید فقط فرضی بیش نیست و اگر واقع باشد سیدنا الاستاد می فرماید اگر فرض کنیم چنین چیزی واقعیت دارد تبدیل خمر به خل نیست، در حقیقت خلّ به خلّ است یعنی خل شده می رسد به خلّ دیگر نه اینکه خمر برسد به خل. خلاف فرض می شود. این استثناء محل اشکال است. آنچه که می شود از متن دفاع کرد این است که تصور بشود خلّی مثل کوره آجرپزی، خلّ خیلی دارای یک انعکاس و یک وصف خاصی و برّش دار قطعه کوچکی تا بریزد اجازه فعالیت ندهد همان جا ببلعد و او را خلّ درست کند. این آخرین دفاعی است که می شود از کلام سید داشت. در این استثناء خیلی بحث نداریم. اما چرا سید این مطلب را اذا وقعت قطره خمر را عنوان کرده است؟

فتوای شیخ طوسی

دلیل بر این عنوانش این است که شیخ طوسی قدس الله نفسه الزکیه در کتاب نهایی که کتاب فتوایی شیخ است. که اگر یک فتوا در مبسوط می بینید یا در نهایی فرق دارد، نهایی کتاب فتوایی است و مبسوط کتاب استدلالی است. بنابراین متن و فتوای معتبر در نهایی است. می فرماید: اگر قطره خمر در داخل خلّ زیادی بریزد و مدتی این خمر داخل این خلّ بماند تا اینکه عادتاً احراز شود و علم حاصل شود که در این مدت این قطره خمر خلّ شده است، کل خل و آن قطره در ضمن آن خلّ محکوم به طهارت است. بعد از یک مدتی که احراز کند که آن خمر خلّ شده است. چرا پاک می شود؟ آن محل که پاک می شود و محیط اطراف براساس قاعده تبعیت. چطوری برای خمر اصلی و ظرف خمر اناء پاک می شود به تبعیت، محیط اطراف آن قطره خمر براساس قاعده تبعیت پاک می شود. [2] این مطلبی بود که شیخ طوسی قدس الله نفسه الزکیه فرموده بود. اما درباره این مطلب یک روایتی هم

داریم که از فقه الرضا آمده است، روایات رضوی جزء روایاتی است که فقهاء بلا استثناء به این روایات استناد می کنند و تقریباً بلا استثناء هم اشکال می کنند. مثل اجماع منقول که هم اجماع منقول را استناد می کنند و هم اشکال. و ما اعتبارش را برای شما شرح دادیم. امام رضا علیه السلام می فرماید: «ان صبّ فی الخمر خلّ لا یحلّ اکله حتی تذهب علیه آیام و تصیر خلّاً ثم کل بعد ذلک» [3]. این روایت هرچند متنش صدرش با مدعا هماهنگ نیست اما ذیلش ممکن است شاهد بر مدعای ما باشد. «ان صبّ فی الخمر خلّ»، مدعای ما این است که «ان صبّ فی الخلّ خمر»، منتها موضوع نزدیک است به مدعای ما که اختلاطی واقع بشود بین خلّ و خمر، می فرماید لم یحلّ اکله حتی تذهب علیه آیام، اکلش حلال نیست تا اینکه ایامی بگذرد و این ایام آنقدر طولانی باشد که بدانیم خمر خلّ شده است. این ذیل شاهد بر مدعای ماست. مدعای ما این بود که اگر خمر در خلّ بریزد و مدتی بماند تا اینکه آن علم حاصل شود که آن خمر خلّ شده است محکوم به طهارت است. این روایت هم شاهد آن مدعا.

نظر فقیه همدانی

اما فقیه همدانی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: این فتوایی که اینجا آمده است خلاف ظاهر نصوص است. نصوص تنجیس، نصوص انقلاب خمر به خل، این حکم با این نصوص تطبیق نمی کند. نصوص تنجیس می گوید که نجاستی که ریخته بشود داخل یک مایعی اگر آب کثیر نباشد تنجیس می کند و نصوص انقلاب هم می گوید خود خمر خلّ بشود بدون اینکه چیزی را تنجیس بکند و تنجیس عارضی در کار نباشد. اما می گویند خمر داخل خلّ ریخت و تنجیس هم شد بعد از مدت پاک می شود. و نصوصی که قاعده تبعیت را اعلام می کرد اختصاص داشت بر اساس فهم اصحاب به اناء خمر [4]. و آنجا یک مطلبی داشتیم که اگر آن مطلب را ثابت کنیم خیلی کمک می کند برای ما که گفتیم خمر حرمت دارد و نجاست خلاف مشهور این است که نجاست ندارد، فقط حرمت دارد. اگر اینگونه باشد در مسئله اناء کار ما راحت است. بنابراین متنی که آمده است «اذا وقعت قطره خمر فی حبّ خلّ لم یطهر و تنجّس الخلّ» درست است و مطابق با فتوای اکثر بلکه می شود بگوییم اجماع متأخرین الا بعضی از اعظام که با شروطی می خواهند این مسئله را نسبت بدهند به شیخ طوسی که نظر شیخ طوسی هم قابل توجیه است. اگر نظر شیخ طوسی را بتوانیم توجیه بکنیم و بگوییم که منظور از قطره خمر، قطره خمری است که در خلّ ریخته و دوباره با هم مختلط شده و شکل خمر گرفته دوباره آمده خلّ شده است، اینگونه توجیه کنیم مسئله دیگر اختلاف نظری هم ندارد و مورد اتفاق است و مقتضای نصوص هم همین است که در متن آمده است. مسئله بعدی انقلاب غیر از استحاله است ان شاء الله جلسه فردا.

[1] التنقیح فی شرح العروه الوثقی، سید ابوالقاسم خویی، ج4، ص166 و 167.

[2] النهايه، شيخ طوسي، 592.

[3] مستدرک الوسائل، ميرزا حسين نوري، ج2، ص606، ابواب نجاسات، ب50، ح1.

[4] مصباح الفقيه، فقيه همداني، ص636.